

إضاءة من مقدمات العذاب روشنگری از مقدمات عذاب

إذا تمت أسباب العذاب، وكذب الرسول واستهزأ به القوم وخصوصاً علماء السوء ومقلديهم العميان، بدأت مرحلة جديدة وهي مقدمات العذاب، وهي كمقدمات العاصفة الهوجاء التي تبدأ بنسيم طيب يركن إليه الجاهل ويظن انه سيدوم، ولكن بعد لحظات تصل الريح العاصف التي تدمر كل شيء بإذن ربها، ﴿فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾ (الأنعام: ٤٤).

هنگامی که دلایل و موجبات عذاب کامل و فرستاده تکذیب شد و مردم مخصوصاً علمای بی عمل و مقلدان کوردلشان- او را به سخره گرفتند، مرحله‌ی جدیدی آغاز می‌شود: مقدمات عذاب؛ درست مانند مقدمات طوفان سهمگینی که ابتدا با نسیم خوش‌آیندی که نادان به آن تکیه می‌کند و گمان می‌کند استمرار دارد، آغاز می‌شود، ولی پس از لحظاتی به تند بادی تبدیل می‌شود که با اجازه‌ی پروردگارش همه چیزها را از زیر و رو می‌کند. «(درب‌های هر چیزی را به رویشان گشودیم تا از آنچه یافته بودند شادمان گشتند، پس به ناگاه فرو گرفتیمشان و همگان نومید گردیدند)».

بداية العذاب بإقبال الدنيا على أهلها الذين كذبوا الرسل، ﴿فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ﴾؛ وذلك لسببين:

شروع عذاب، رو کردن دنیا به اهلش که فرستادگان را تکذیب نموده‌اند، می‌باشد. «(درب‌های هر چیزی را به رویشان گشودیم)»؛ به دو دلیل:

الأول هو إغراقهم في الشهوات والملذات وزخرف الدنيا بعد أن ركنوا إليه، وأمسى هو مبلغهم من العلم لا يعدونه إلى سواه، وليزدادوا غفلة إلى غفلتهم ﴿وَأْمَلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾ (الأعراف: ١٨٣).

اول: غرق شدن آنها در شهوات و خوشی‌ها و زینت‌های دنیا، البته پس از آنکه به آن تکیه کردند و دنیا نهایت بهره‌ی علمی آنان شد تا آنجا که فراتر از

آن چیزی را نبینند و غفلتی بر غفلت‌هایشان اضافه کنند. «(و به آنها مهلت دهم، که تدبیر من استوار است)».

والثانی لیعظم عذابهم النفسی، لما ینزل بهم العذاب الإلهی الدنیوی، وذلك عندما یفارقون الدنیا التي أقبلت علیهم واستقبلوها بالأحضان، ﴿فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا﴾، دونما تفکر أو تدبیر لحالهم المخزی، وهم یرزحون تحت ظل طاغوت محتل متسلط، وكانهم لم یسمعوا الحدیث القدسی: (یا ابن عمران، إذا رأیت الغنی مقبلاً فقل ذنب عجلت عقوبته) (الكافی: ج ۲ ص ۲۶۳ ح ۱۲)، وهكذا الغافلون دائماً یظنون أن الدنیا التي أقبلت علیهم مكافأة لهم، والنعمة والنعیم ثمناً لأتعايبهم، وهي فی الحقیقة النسیم الذي یسبق العاصفة!! وهي فی الحقیقة ذنب عجلت عقوبته!!

دوم: تا هنگامی زمانی که عذاب الهی دنیوی بر آنها فرستاده می‌شود، عذاب نفسانی آنان افزایش یابد؛ یعنی هنگامی که از دنیایی که به آنان رو کرده است و با آغوش باز از آن استقبال کرده‌اند، جدا می‌شوند: «(به چیزهایی که به آنان داده شد است، شادمان شدند)»؛ بدون اینکه نسبت به وضعیت ننگ‌آورشان تفکر و تعقلی داشته باشند، در حالی که زیر سایه‌ی طاغون اشغالگر مسلط ناتوان شده‌اند و گویا این حدیث قدسی را نشنیده‌اند: «(ای فرزند عمران! آن هنگام که دیدی بی‌نیازی به تو روی آورد، بگو: گناهی است که عقوبتش نزدیک شده است)». اینچنین در غفلت همیشگی به سر می‌برند و گمان می‌کنند دنیایی که به آنها رو کرده است، پاداش آنان، و این نعمت و آسایش، حاصل دسترنج‌شان می‌باشد؛ ولی در واقع نسیم پیش از طوفان و گناهی است که عقوبتش فرار سیده است!!

أحمد الحسن

۲۶ صفر ۱۴۲۵ هـ.ق

النجف الأشرف

احمد الحسن

۲۶ صفر ۱۴۲۵ هـ.ق

نجف اشرف

الفهرس

إضاءة الرسول والعذاب	
إضاءة من بين يدي العذاب	
إضاءة من كلمات المرسلين مع المعذبين	
إضاءة من المعجزة والعذاب	
إضاءة من أسباب العذاب	
إضاءة من مقدمات العذاب	
الفهرس	

والحمد لله رب العالمين